

تاریخ نشر | د خپریډو نیټه: 21.11.2013

فقیر محمد ودان

مؤرخ: 19 نوامبر 2013

نیروها و شخصیت های مستقل سیاسی متعهد به رفع بحران و مسوولیت شان در قبال پروسه کنونی انتخابات در افغانستان

پروسه تدارک و تدویر انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای محلی برای سال 2014 خورشیدی در وضعیت پیچیده افغانستان، آغاز گردیده است. مجموع عوامل و فکتورهای دخیل در پیچیدگی این وضعیت؛ اعم از علل و عوامل داخلی (عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی و مختصات ناشی از آن: فقر اقتصادی، گرایشات قومی، زبانی و مذهبی، مردسالاری و سطح نازل درک سیاسی، ادامه جنگ و تسلط مافیایی جنگ سالاران در محلات همچنان در ساختارهای سیاسی اعم از دولتی و اپوزیسیون مسلح و غیر مسلح و عدم صداقت دولت در امر سازماندهی شفاف پروسه انتخابات و شمارش آرا...) و علل و عوامل خارجی (حضور مستقیم نظامی و سیاسی کشورهای عضو پیمان نظامی ناتو و همچنان نفوذ و اثرگذاری گسترده آنان و سایر دول خارجی دخیل و سازمانهای استخباراتی آنان - بخصوص پاکستان و ایران - با بکارگیری عمال افغانی نفوذ داده شده آنان در رهبری ساختارهای سیاسی و نظامی دولتی و اپوزیسیون مسلح و غیر مسلح بارز دولت) بر مضمون و محتوی این پروسه و نتایج آن اثر میگذارند.

عوامل فوق الذکر نه بصورت منفرد و بی ارتباط؛ بلکه مرتبط باهم و بطور موافق و یا هم متضاد برهمدیگر اثر وارد مینمایند. پیچیدگی وضعیت افغانستان و پروسه انتخابات - که در چنین وضعیتی راه انداخته شده است - از عملکرد پیچیده همین فکتورها و عوامل ناشی میگردد. درک مضمون و محتوی جریان ها و روندهای درونی این وضعیت، به رایدهندگان کمک مینماید تا تیم هایی را که با اتکا به برخی از عوامل و فکتورهای متذکره شکل گرفته و بمثابة پدیده های ناشی از مضمون و محتوی جریان متذکره تبارز نموده اند، خوب بشناسند و بادر نظر داشت این شناخت تصمیم خویش را مبنی بر انتخاب شان، اتخاذ نمایند.

دادن و یا هم ندادن رای بوسیله «فرد اجتماعی»، اصولاً مسئله کاملاً فردی است و هیچکس و یا هم ساختاری - اعم از دولتی و غیر دولتی - حق ندارد و نباید افراد را به دادن رای برای یک

کاندید مشخص «مجبور» سازند. ولی رعایت مطلوب و معیاری این اصل در حضور عوامل داخلی و خارجی فوق الذکر بحران و اثرات آنان بر اکثریت لایه های پائینی اهرم ساختاری جامعه، ممکن و میسر بوده نمیتواند.

اما وجود شرایط بحران و حقایق ناگوار ناشی از آن، به هیچ وجه، به آن معنی نیست و نمیتواند باشد که به نقش روشنگرانه افراد و ساختارهای آزاد از تاثیرات مستقیم عوامل متذکره و اثرگذاری نسبی آنان بر پروسه انتخابات بی توجه بود. بهترین دلیل این اثر گذاری، وجود و حضور آنان در وضعیت سیاسی کشور است. همین که این افراد و ساختارها «هستند»، بنابراین آنها نیز «متناسب» به این «وجود و حضور خود»، میتوانند و باید بتوانند بر افراد جامعه اثر بگذارند. این عمل بخصوص در شرایط کنونی بخاطری هم ممکن است که نظام حقوقی کشور، اصول و ارزشهای دموکراتیک را حاوی اند. یعنی همانطوریکه عوامل بحران موجوده، «هستند»، و با استفاده از امکانات - مشروع و غیر مشروع - خویش تلاش دارند به تعویل و یا تحمیل گرایشات و منافع شان بپردازند، نیروهای متعهد به رفع بحران نیز مکلف به انجام رسالت تاریخی ترقیخواهانه خویش اند. دشواری مبارزه سیاسی و پیچیده گی رهبری سالم این مبارزه در وضعیت کنونی افغانستان، از همین واقعیت ناشی میگردد و میباید رهبری این نیروها، علی الرغم وجود این دشوار، نقش ممکن و مؤثر شان را در چنین وضعیتی، با کمترین تلفات، ایفا نمایند.

گفته اند که سیاست نه تنها علم بلکه هنر نیز است. هنر سیاسی، افراد و رهبری خردمند سیاسی را قادر میسازد تا در لحظه ها و مقاطع مشخص زمانی - تاریخی، بتوانند اهداف معقول تاکتیکی سیاسی را تشخیص دهند، و جهت دستیابی به این اهداف، نیروهای موجود و مساعد اجتماعی را به حرکت و جنب و جوش آورده، افزار لازمی را انتخاب و شیوه های معقول و ظریفانه بکاربرد این نیروها و افزار را تعویل و طی این پروسه با انعطاف پذیری و سیالیت (اجتناب از تحجر تمامیت خواهانه ذهنی) و تبارز قدرت مانور، چنان عمل نمایند که اثرگذاری رقبا و مخالفین سیاسی را بر روند های اجتماعی و اقتصادی محدود ساخته و خود بتوانند به سوی دستیابی به اهداف و ارمانهای خویش، تا جائیکه ممکن و مقدور است، گام بردارند.

بادرنظرداشت وضعیت کنونی و تداوم پروسه تدارک برگزاری انتخابات درین وضعیت، نیروهای سازمانیافته و شخصیت های مستقل متعهد به مبارزه جهت بیرون رفت از بحران و

تامین ثبات در کشور، خود در چه وضعیت قرار دارند و بادر نظر داشت عینیت چنین وضعیت به انجام کدام وظایف مبرم در قبال پروسه انتخابات می باید متعهد گردند؟ در رابطه به پرسش فوق، نظریات شخصی خویش را - توأم با ابراز احترام به نظریات دیگر اندیشان - ابراز میدارم:

نیروها و شخصیت های مورد بحث با وجود اراده و تعهد به مبارزه جهت بیرون رفت از بحران موجود و تامین ثبات در کشور، جزیی از وضعیت کنونی اند و در وضعیت کنونی زندگی و فعالیت دارند. این زندگی و فعالیت بدون روابط اجتماعی ممکن و میسر بوده نمیتوانند. بنابراین چه خواهیم چه نخواهیم وضعیت موجود جامعه بر این نیروها و شخصیت ها بی تاثیر نبوده و نمیتواند باشد. به علت همین تاثیرات است که متأسفانه این نیروها و افراد، خود نیز در بحران قرار دارند و در آن به سر میبرند. این نیروها بنابر وجود ترسبات آزاردهنده واقیعت های تلخ تاریخی در ذهن آنها و نداشتن مواضع یکسان نسبت به این گذشته، یاهم بنابر نفوذ مستور عوامل بحران را در ساختارهای متذکره و سرانجام اختلاف روی مبانی فکری - سیاسی، اختلاف در انتخاب اهداف دورنمایی و استراتژییک و حتی اختلاف در سلیقه ها، عنصر اعتماد متقابل میان شان قوام مجدد نیافته است و بدین ملحوظ و سایر ملحوظات عینی، نتوانسته اند کاندید مستقلی داشته باشند که این کاندید بتواند از اهداف و امیال شان بطور کامل و صد در صد نمایندگی نماید. شکل گرفتن چنین وضعیت نیز ناشی از واقیعت هایی تلخی اند که به آنان اشاره شد و نمیتوان از وجود و اثرات آنان انکار نمود و یا آنان را نادیده گرفت. ولی به عقیده و برداشت نگارنده، این واقیعت ها نمیتوانند و نباید مانع وحدت عمل نیروهای سالم اجتماعی و سیاسی جهت موضع گیری واحد شان در قبال انتخابات، بمثابه یک هدف تاکتیکی درین مقطع تاریخی گردد. زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که آنان - با حفظ اختلافات فوق الذکر میان شان که حل آنان وقت و زمان بیشتر نیاز دارد - نتوانند روی اهداف حد اقل (تاکتیکی) شان در قبال پروسه انتخابات در وضعیت و مقطع کنونی، به توافق برسند. این اهداف میتوانند قرار ذیل فورمولبندی گردند:

1 - محدود ساختن اثرات زیانبار دخالت های خارجی بخصوص آی. اس. آی پاکستان و اطلاعات ایران در امور داخلی کشورما که خواسته اند و میخواهند به منافع و اهداف ضد افغانی شان، تحت پوشش «تنظیم های جهادی» و با استفاده از بدنام ترین چهره های معلوم الحال مافیایی جنگ سالاران مربوط، دست یابند.

2- تحدید اثرات عملکرد نیروهای مافیایی و نقش مخرب آنان در گستره موجود:

الف - در فساد موجود دستگاه ادارات مرکزی و محلی قدرت دولتی و اپوزسیون سیاسی و نظامی آن .

ب - در پروسه تولید، پروسس و تجارت مواد مخدر.

ج - در پروسه گذشته و جاری غضب زمین و سایر دارایی های غیر منقول دولتی و شخصی.

د - در کنترل و اثر گذاری مستقیم و غیر مستقیم بر بازار.

ه - در تلاش بخاطر نفوذ هرچه بیشتر عوامل آنان در ساختارهای سیاسی، به شمول ساختارهای دولتی و غیر دولتی.

3 - اتخاذ موضع واحد در قبال ضرورت حضور و یا هم عدم حضور نیروهای نظامی کشورهای عضو پیمان نظامی ناتو در افغانستان.

4 - برخورد با مسئله جنگ و صلح در افغانستان.

5 - برخورد با مسئله عینی کثرت گروه های اجتماعی و نقش آنان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

6 - تعمیل بهتر اصول و ارزشهای دموکراتیک و ترقیخواهانه مندرج قانون اساسی کشور.

و ...

نیروها و شخصیت های مورد بحث می باید با قبول چنین یک پلتفورم واحد و تلاش جهت گنجاندن آن در برنامه انتخاباتی مساعدترین تیم انتخاباتی موجود (نسبت به سایر تیم های کاندید شده) و اخذ تعهد تیم متذکره به تعمیل این خواسته ها در صورت پیروزی، از وی حمایت نمایند. اینست مسوولیت تاریخی نیروه های مورد نظر که می باید با تبارز انعطاف، سیالت و تبارز قدرت و توانایی مانورهای مؤثر سیاسی، نه تنها وجود و حضور مؤثر شان را در وضعیت موجود تبارز دهند، بلکه خود را - اگر چه یک گام هم اگر می شود و ممکن است - بسوی اهداف اساسی شان نزدیک سازند.

و من الله التوفیق